

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگران پورتال - افغانستان

۱۱ سپتمبر ۲۰۱۷

در افغانستان چه می گذرد؟

۳۷۲

وقوع انفجار در برابر نمایندگی کابل بانک نو در شهر لشکرگاه:

کابل بانک نو که قبلاً صرف به نام کابل بانک یاد می شد، یکی از بانک های خصوصی بود که در نتیجه فساد گسترده شیرخان فرنود و خلیل الله فروزی ورشکست گردید و بیشتر از ۹۰۰ میلیون دالر پول مردم در این میان حیف و میل گردید. دولت پوشالی کابل با انتقال چیزی در حدود ۴۰۰ میلیون دالر از پول وزارت مالیه توانست قسماً سپرده های مردم را دوباره برای شان برگرداند، اما از ورشکستگی این بانک نتوانست جلوگیری نماید.

مقامات در دولت پوشالی کابل بدون در نظر داشت وضعیت بد و ناهنجار امنیتی که هر روز ده ها حمله انتحاری و انفجاری از سوی طالبان جنایتکار و مزدور در سراسر کشور به وقوع می پیوندد، مسؤلیت توزیع معاش نیرو های امنیتی مخصوصاً اردوی «ملی» خود را به عهده کابل بانک نو گذاشته که در اخیر هر ماه صد ها تن از نیرو های امنیتی این اجیران مزد بگیر دولت پوشالی با هجوم به شعبه های کابل بانک نو در مرکز و ولایات برای اخذ معاش باعث ازدحام بیش از حد در برابر دروازه های این بانک می گردند. هر از چند گاهی زانو صفتان منحوس و نجس به نام طالب با راه اندازی حملات انتحاری و انفجاری در برابر نمایندگی های این بانک جمع کثیری از این امنیتی ها را کشته و یا زخمی می نمایند. چنان که به تاریخ اول سنبله سالجاری در شهر لشکرگاه ولایت هلمند در نتیجه یک انفجار در برابر دروازه ورودی نمایندگی کابل بانک نو، ۲ عسکر و ۳ غیر نظامی کشته و بیش از ۳۷ تن دیگر زخم برداشتند.

بی کفایتی و بی مسؤلیتی مقامات حکومت دو سره وحشت ملی باعث گردیده تا تعداد زیادی از نیرو های امنیتی این دولت در جریان اخذ معاش های شان در برابر نمایندگی های کابل بانک نو در کابل، هلمند، ننگرهار و سایر ولایات تلف شوند و تاکنون هیچ تجویزی برای جلوگیری از وقوع چنین حملات خونبار هم روی دست گرفته نشده و معلوم نیست به چه تعداد دیگر از این فرزندان توده ها که برای امرار معیشت فامیل خود ناگذیر دست به اسلحه برده و از لوله تفنگ نان می خورند، کشته و یا معلول و معیوب می گردند.

تیرباران به جرم تراشیدن ریش:

درنده خوئی طالبان جنایتکار و مزدور حد و مرزی ندارد و به هر بهانه ای باید خون جوانان رشید و تنومند این کشور مستعمره - نیمه فیودالی را به دستور اربابان خود به زمین بریزد. تفکر قرون وسطائی طالبان از افکار پوسیده و گندیده مدارس دیوبندی پاکستان و افکار متعفن رژیم سفاک و آخوندی ایران منشأ می گیرد. این جناوران تاریخ برای خوشخدمتی و پایبوسی با داران پاکستانی، ایرانی، روسی، امریکائی و سایرین حاضراند حتی خون فرزندان خود را نیز بریزانند، چنان که ملا هیبت الله این جرثومه طالبی چندی قبل اولاد خود را به مأموریت حمله انتحاری روانه کرد و او را منفجر ساخت.

این جناوران وحشی و مزدور در ماه سنبله سالروان سه تن از جوانان قریه روبات ولسوالی ده یک ولایت غزنی را هنگامی که از مسجد به طرف خانه های شان روان بودند، به جرم این که چرا ریش های شان را اصلاح و تراشیده، به رگبار گلوله بسته و در دم کشتند. این جنایت شنیع در حالی در ولایت غزنی صورت می گیرد که هم اکنون نیرو های القاعده، شبکه حقانی، طالبان و داعشی ها به صورت وسیع در سراسر ولایت غزنی فعالیت نموده و از هیچ ظلم و تعدی علیه توده های زحمتکش و ستمدیده این ولایت دریغ نمی نمایند.

از سگ زرداد تا سگ عطا:

درنده خوئی تنظیم های جهادی در زمان سگ جنگی های داخلی و قبل از آن بر هیچ کسی پوشیده و پنهان نبود، این وحشی های جنایتکار بعد از سرنگونی دولت دست نشانده نجیب برای به دست آوردن قدرت کابل را به ویرانه مبدل نموده و ده ها هزار انسان را در شهر کابل به خاک و خون کشیدند و کابل را به شهر ارواح مبدل ساختند. پاتک سالاری، چور و چپاول دارائی های توده ها و عامه، ایجاد جزیره های قدرت مخصوصاً در شهر کابل و پیاده سازی فرهنگ جنگل در افغانستان جزء مشخصه های بارز این جنایتکاران جنگی بودند. قطع اعضای بدن، تماشای رقص مرده، تماشای صحنه تولد طفل، کوبیدن میخ بر سر انسان ها، زنده سوزندان انسان ها در کانتینر ها، تجاوز بر پیرمردان هفتاد ساله، بریدن پستان های زنان، خوراندن گوشت انسان ها به یکدیگر جزء سرگرمی همه روزه این وحشیان درنده خود بود. در این میان یکی از قومندان های برجسته "گلبدین حکمتیار" این قاتل هزاران کابلی به نام "زرداد" یک تن از افراد خود را همانند سگ تربیه نموده بود که در مسیر شاهراه کابل - جلال آباد مسافرینی را که از پرداخت پول های هنگفت خودداری می کردند، همچون سگ به جان مسافران انداخته و تکه های گوشت مسافران را با دندان از تن شان جدا می کرد.

بعد از هجوم اشغالگران غربی در سال ۲۰۰۱ و سرازیر شدن میلیارد ها دالر و زمانی که جنایتکاران تنظیمی از کوه پانین گردیده و با پوشیدن نکتائی اکت و ادای «با فرهنگ» بودن را می کنند، باید این خوی و خاصیت درنده خوئی از آن ها دور شده باشند، اما چنین نگردیده و درنده خو تر گردیده اند، چنان که چندی قبل در ماه سنبله پسرک معلم عطا یک تن از مافیای قدرتمند سمت شمال که از آغاز حکومت دست نشانده غربی ها تاکنون با چنگ و دندان چوکی ولایت بلخ را حفظ نموده، با خوردن گوش "آصف مهمند" ثابت ساخت که «خر عیسی گرش به مکه برند***چون بیاید هنوز خر باشد»

چندی قبل "آصف مهمند" یک تن از اعضای شورای ولایتی بلخ که شدیداً به فساد اخلاقی و مالی مصاب می باشد، در برابر "عطا"ی جنایتکار قرار گرفته و گویا قصد افشای جنایت ها و فساد گسترده معلم "عطا" را دارد، اما غافل از این که معلم "عطا" برای خود سگی تربیه کرده که هرکس با او به مخالفت بر خیزد و فساد او را افشاء نماید، سگ خود را به جانش "اورکش" کرده تا گوشت های بدنش را توتّه توتّه نماید.

زمانی که طیاره حامل "مهمند" در میدان هوایی بلخ فرود آمد، درنده های معلم "عطا" دست بسته او را پیش فرعون بلخ برده تا با او تصفیه حساب نماید، طوری که در حین ورود "مهمند" به خانه معلم "عطا"، سگ تربیه شده به جان "مهمند" پرید و در اولین حرکت نیمی از گوش "مهمند" را با دندان برید و همزمان او را زیر مشت و لگد گرفت و در یک چشم به هم زدن سراپا خون آلودش کردند. "مهمند" زخمی آرام ننشست و با چنگ انداختن به هر طرف قصد دارد تا از معلم "عطا" انتقام بگیرد، اما غافل از این که انتقام گرفتن از معلم "عطا" و سایر رهبران تنظیم های جهادی و درنده زمانی امکان پذیر است که توده های زحمتکش و ستمدیده بر خیزند و با راه اندازی قیام های مردمی کاخ این جلادان تاریخ را بر سر شان خراب نمایند.

نا گفته نباید گذاشت که اختلاف بین "عطا" و "مهمند" که اولی جمعیتی و دومی مربوط حزب اسلامی "گلبدین" است ادامه همان تضاد های قبلی بین این دو باند جنایتکار بوده، خلاف تبلیغات هر دو طرف، هیچ ربطی به تعلقات قومی این و یا آن ندارد.